

مریم رجوی: روابط با رژیم ایران را به توقف شکنجه و اعدام در ایران منوط کنید ۱۵ آذر ۱۳۹۶

سخنرانی در پارلمان اروپا در آستانه روز جهانی حقوق بشر

نمایندگان محترم پارلمان اروپا،

باعث مسرت فراوان است که در میان نمایندگان مردم اروپا هستم. زنان و مردانی که پیشتاز دفاع از دموکراسی و حقوق بشر در جهان امروز هستند.

من امروز، در حالی اینجا هستم که وضعیت در ایران به نقطه انفجار نزدیک می‌شود. ماه گذشته یک زلزله مهیب در غرب کشور تلفات زیادی به جای گذاشت. این زلزله دو واقعیت اساسی را به نمایش گذاشت:

اول فساد گسترده حکومتی، وضعیت فاجعه‌بار زیرساختها و ناتوانی حکومت از حل ابتدایی‌ترین مسائل مردم و دیگری همبستگی عمومی با زلزله‌زدگان در رویارویی با رژیم.

رژیم در وحشت از خشم و نفرت مردم به جای هرگونه کمکی، پاسداران و نیروهای ضدشورش را به منطقه اعزام کرد. اما این کار، مانع اعتراضات و خشم مردم نشد. فساد حکومتی به حدی است که بخش وسیعی از کمکهای مردمی را نیز چپاول می‌کنند و نمی‌گذارند به زلزله‌زدگان برسد.

یک نمود دیگر از تمایل مردمی برای تغییر رژیم در ۷ آبان، روزی که به نام کوروش کبیر مشهور است، بارز شد. او نخستین منشور حقوق بشر جهان را اعلام کرد. نیروهای سرکوبگر رژیم بسیج شده بودند که از رفتن مردم به آرامگاه کوروش، در پاسارگاد ممانعت کنند. با این حال، هزاران تن از مردم از سراسر کشور به سمت پاسارگاد حرکت کردند و ایران شاهد یک رویارویی مردمی در برابر دیکتاتوری دینی بود.

در ایران، سیستم مالی در مرز سقوط است. دوهفته پیش، وزیر کشور رژیم اعتراف کرد روزانه ۱۵۰ حرکت اعتراضی در کشور رخ می‌دهد. یکسال است یک جنبش اعتراضی سراسری توسط مردمی که دارایی آنها توسط موسسات مالی وابسته به حکومت غارت شده جریان دارد که هر روز دامنه آن گسترده‌تر می‌شود. این اعتراضات در موارد متعدد به اعتراضات سیاسی علیه تمامیت رژیم تبدیل شده است.

همزمان، جنبش دادخواهی شهیدان قتل عام سال ۱۳۶۷، که مقاومت ایران آن را فعالانه سازمان داده، یک جنبش اجتماعی گسترده شده است. این یک دلیل اصلی شکست خامنه‌ای در نمایش انتخابات، برای روی کار آوردن یکی از

مسئولان این قتل عام بود. شعار نه جلاد نه شیاد رای من سرنگونی است، که هر دو کاندیدای اصلی را هدف قرار می‌داد، به یک شعار اجتماعی تبدیل شد.

دبیرکل ملل متحد، در آخرین گزارشش به اجلاس جاری مجمع عمومی ملل متحد، اذعان کرد که تعداد زیادی شکایت از جانب خانواده‌های قربانیان دریافت کرده است.

در یک کلام، درگیری بین مردم و رژیم هر روز گسترده‌تر می‌شود. رژیم آخوندی، تا همین‌جا ذخائر استراتژیکش برای بقا را استفاده کرده است. از نظر اقتصادی در آستانه ورشکستگی است، توافق اتمی مشکلی از آن حل نکرده است، از نظر اجتماعی بیش از هر زمان دیگر منزوی شده است. در طرح استراتژیکش برای نابودی اپوزیسیون اصلی شکست خورده و نتوانست از انتقال اعضای سازمان مجاهدین خلق از زندان لیبرتی در عراق به اروپا جلوگیری کند.

در چنین شرایطی، راه حل، رژیم سرکوب بیشتر و اعدام بیشتر است. به گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل نگاه کنید. ثابت شد که قولهای آخوند روحانی جز دروغ‌هایی برای ایجاد یک امید کاذب و کاهش خشم ملت و فریب جامعه بین‌المللی نیست. ولی این اقدامات دیگر برای مهار جامعه‌یی که مشتاق تغییر است، کافی نیست. در واقع روحانی با حمایت کامل از رفتار سرکوبگرانه سپاه پاسداران در داخل، با حمایت از گروه‌های تروریستی در منطقه و برنامه موشکی، ماسک دروغین اعتدال را به دست خود از چهره‌اش برداشت.

دومین اهرم بقای رژیم، افزایش مداخلاتش در خارج از مرزهاست. این سیاست، بیانگر قدرت رژیم نیست، بلکه نشان‌دهنده رژیمی است که در یک بحران عمیق داخلی بسر می‌برد و تلاش می‌کند با اعمال نفوذ در منطقه، از یک سو بر ضعفهای داخلی‌اش سرپوش بگذارد و از سوی دیگر با قدرتنمایی کاذب و شانتاژ، جامعه جهانی را از یک سیاست قاطع برحذر دارد. به اظهارات اخیر سردمداران رژیم از خامنه‌ای و روحانی و فرماندهان پاسداران توجه کنید آنها در یک کلام می‌گویند:

به دخالت و جنگ‌افروزی و ترویسیم در عراق و سوریه و لبنان و یمن و سایر کشورها ادامه می‌دهند.

به حمایت از دیکتاتوری اسد ادامه خواهند داد.

به تامین مالی و تسلیحاتی نیروهای شبه‌نظامی و تروریستی وابسته به خود، در منطقه ادامه خواهند داد.

به برنامه موشکی‌شان ادامه خواهند داد. آنها تصریح می‌کنند علت این که امروز بر وضعیت در داخل مسلط هستیم «ناشی از داشتن یک استراتژی مشخص مبارزه در بیرون مرزهاست».

تا زمانی که جامعه بین‌المللی آنها را به‌خاطر اعمال مخرب‌شان مورد حساسی قرار ندهد، آخوندها به ماجراجویی‌های خطرناکشان ادامه خواهند داد. تا زمانی که جامعه بین‌المللی در این توهم است که با دادن امتیاز به این رژیم می‌تواند این هیولا را مهار کند، آن را فقط تغذیه می‌کند که بیشتر ادامه بدهد.

راه حل، قاطعیت است، نه امتیاز دادن. این رژیم، تنها از ترس این که تحریمها ممکن است منجر به جرقه قیام‌های بزرگ شود، وارد مذاکرات اتمی شد و یک قدم عقب نشینی کرد.

بگذارید صریح باشیم. متأسفانه اتحادیه اروپا ارزش‌های خود را به‌خاطر ارتقای تجارت با ملاها رها کرده و چشم خود را بر روی نقض فاحش حقوق بشر در ایران بسته است.

عقد قراردادهای اقتصادی با سپاه پاسداران که بخش اعظم اقتصاد ایران را در دست دارد، یک سیاست کوتاه‌بینانه است که صلح و ثبات را بیشتر به خطر می‌اندازد.

اتحادیه اروپا می‌تواند نقش مثبتی در صلح و ثبات منطقه ایفا کند. در زیر برخی از گام‌های مشخصی که باید برداشته شود، آمده است:

- رژیم ایران را به‌خاطر جنایاتشان علیه مردم و به‌ویژه قتل عام سال ۶۷ مورد مواخذه قرار دهید و روابط تجاری را به خاتمه اعدام در ایران منوط کنید.
- خواستار خروج فوری سپاه و مزدورانش از سوریه و دیگر کشورهای منطقه شوید و گرنه با عواقب شدید آن مواجه می‌شوید.
- خواستار توقف سریع برنامه موشکی رژیم آخوندها شوید و یا تحریم‌های شدید نفتی و بانکی بر آن اعمال کنید. برنامه موشکی رژیم، نه برای دفاع از ایران، بلکه علیه مردم ایران و برای بحران‌آفرینی در منطقه است.
- اگر با فاشیسم دینی حاکم، با قاطعیت برخورد نشود، جنگ مهلکی را بر منطقه و جهان تحمیل می‌کند. این دلیل کافی برای اروپا جهت اتخاذ سیاست درست با رژیم آخوندی است.

رژیم برای بی‌ثبات‌سازی منطقه و سرکوب مردم به اروپا نیاز دارد. از همراهی دیپلماتیک و تجاری اروپا به‌سود منویات خطرناک ولایت فقیه بهره‌برداری می‌کند. به اذعان دستگاه‌های امنیتی اروپایی از بازارهای اروپا برای تکمیل برنامه اتمی خود استفاده می‌کند. از شرکت‌های اروپایی برای چاب اسکناس تقلبی بهره می‌برد.

بگذارید صحبت‌هایم را با یادآوری یک لحظه تاریخی خاتمه دهم.

در دی ماه سال ۱۳۵۶، رئیس‌جمهور آمریکا در حال بازدید از ایران گفت «ایران به‌خاطر رهبری عالی شاه، جزیره ثبات در یکی از پرآشوب‌ترین مناطق دنیاست.»

ده ما بعد از شروع قیام در ایران، مشاور امنیت ملی آمریکا، گزارشی از دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا برای او فرستاد که این‌طور شروع می‌شد: «خبر خوب. ایران در یک موقعیت انقلابی و یا حتی پیش‌انقلابی نیست. نارضایتی نسبت به کنترل شدید شاه است ولی در حال حاضر به‌عنوان تهدیدی علیه دولت محسوب نمی‌شود.» این تنها چند ماه قبل از سرنگونی شاه بود.

تردیدی نیست که مردم ایران رژیم آخوندی را سرنگونی خواهند کرد. اتحادیه اروپا باید تصمیم بگیرد که در کدام طرف قرار بگیرد. اکثریت نمایندگان مردم اروپا سالهاست در طرف دموکراسی و حقوق بشر قرار دارند

یک آلترناتیو دموکراتیک در برابر رژیم ملایان وجود دارد که معتقد به انتخابات آزاد، برابری زن و مرد، جدایی دین و دولت، برابری حقوق اقلیتهای قومی و مذهبی و یک ایران غیر اتمی است.

از همه شما تشکر می‌کنم.